



از: موسوی گرمارودی

شاهنامه‌ی فردوسی

شوش گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
چاپ مسکو
برای چاپ مع علوم انسانی

متن انتقادی، نه مجلد ناشر انتشارات گوتمبرگ

بناهای آباد گردد خراب
ز باران و از تابش آفتاب
پی افکندم از نظم کاخی بلند
که از باد و بارانش ناید تیزند
بسی رنج بردم در این سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی

يك ارادى سترگ و روحى نستوه و عزمى استوار است .
تنها به گفتن آسان مى‌آيد كه يك تن ، سى سال و اندى از عمر
خويش را بر سر كارى نهد ، بى هيچ وقفه‌اى و تكاسلى واز پاى ننشيدند تا آن
را به انجام رساند و در سراسر كارى چنين بلند ؛ به جز فراز و نشيب‌هاى
نسبى ؛ - كه حتى « در كلام خالق بى چون كه وحى منزل است » نيز مى‌توان
ديد [كى بود تبت پيدا مانند پا ارض ابلعى]؛ هيچ نشانه‌ى تعدد شخصيت و
فرو افتادگى ، نتوان يافت چنانكه گويى اين همه را نه در سى سال كه در سى
روز نوشته بوده است !

گرچه قياس مع الفارق است اما از جهت تقريب ذهن بد نيست
يادآورى كنيم كه شاعران زمان ما ، كارهاى نخستين شان با كارهاى بعدتر ،
چندان از هر جهت فرق و فاصله دارد كه گاه حتى خود عملا و يا قولا ،
كارهاى اول را ناديدده مى‌گيرند . از جمله اگر شما « ارغنون » شاعر بزرگ

اين جمله را از سرور آزادگان و سالار شهيدان حضرت امام حسين
عليه‌السلام نقل مى‌كنند كه مى‌فرمود : ان الله يحب معالى الامور و يكره سفافها
خداوند كارهاى گران را دوست مى‌دارد ؛ نه خرده‌ها و خردكها را .
فردوسى ، از كسانى است كه در سلسله‌ى اهل هنر و علم ، همتى
فرازمندتر از بلندترين قلال مى‌داشته است . كار عظيم او نشانه‌ى بشكوهى از

خراسان و ایران، اخوان را در نخستین چاپ دیده باشید و با ارغنون چاپهای بعد مقایسه فرمایید؛ خواهید دید که از نخستین « ارغنون » هیچ جز یک شعر، در ارغنون اخیر، نیست!

باری، من هرگاه به عظمت کار فردوسی می‌اندیشم، مجموعه‌ای اثر او را در ذهن به رشته چلبالی ماندم می‌کنم که در امتداد خویش، از آغاز تا پایان، یکسره از ستیغ های بلند تشکیل یافته است، گیرم برخی از این قله‌ها سر بر آسمان هفتم می‌سایند و برخی اندکک - به نسبت آن دیگرها - پایین‌تر ایستاده‌اند، اما، همچنان از دسترس دور مانده است... بزرگی و والایی کتاب فردوسی، یک بزرگی کم نقص و همه‌جانبه است:

زبان و بیان و اسلوب نادر و متفاوت را چون جامعه‌ای گران بر تن معانی برجسته و گزیده پوشانده است و در این طریق اگر چه شرح حال و افسانه‌های شاهان ایران، بهانه‌ای این سخنوری است اما آنجا و هر جا که او خود پا در میان تاریخ‌گذاری می‌نهد و افسانه سرایی می‌کند؛ می‌بینیم که چون حکیمی انسان گرا - و نه مردم گریز - برای « زندگی » مردم خویش الگو می‌دهد:

اگر « رستم » را از مردم سیستان برمی‌گزیند بی‌سببی نیست؛ چنانکه اگر « کاوس » را با آن شخصیت کذا و کذا در برابر او می‌نشانند نیز بی‌حکمتی نه.

اگر در بیابان، رستم از دست دختری زیبا و تنها، آب می‌نوشد و به هنگام سپاس می‌گوید:

سینه زرگسنت پر از شرم باد
همیشه رخافت پر آزر باد

کاملاً واضح است که فردوسی می‌خواهد برای رستم - که سبیل ملت و برگزیده‌ای از میان مردم است - همان صفاتی را بترشد که در دل خویش برای همه‌ی مردم داشتن آن صفات را آرزو می‌کند:

مردی با نیروی رستمی که حتی در بیابان در مواجهه با دختری زیبا، نه تنها بدو به چشم طمع در نمی‌نگرد بلکه به هنگام سپاس، دعای خیر او حاوی پیامی پیامبرانه برای همه‌ی زنان این آب و خاک است:

سینه زرگسنت پر از شرم باد.

کتاب فردوسی از این ست چندان دارد که می‌توان آن را « مردم‌نامه » نامید... و از هر دست حاوی نکته‌ها و زمینه‌هایی است که بی‌میلانه می‌توان آن را به دریا تشبیه کرد... در اهمیت این گنجینه‌ی والا همین بس که تنها در طی چند سال اخیر، بر اساس آن کتاب ارجمندی چون « سوگند سیاوش » اثر شاهرخ مسکوب درآمده است و کتابهای دیگری درباره‌ی آن چون:

- زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه از: محمدعلی اسلامی ندوشن
- شاهنامه برای صله سروده شده استوار: محمدعلی رجائی
- کتابشناسی فردوسی از: ایرج افشار
- یادنامه‌ی فردوسی از: ایرج افشار
- فردوسی و شاهنامه‌ی او از: حبیب یغمایی
- فردوسی و شعر او از: مجتبی مینوی
- کشف‌الایات شاهنامه از: محمد دبیرسیاقی
- شاهنامه و دستور از: محمود شفیعی
- دانش و خرد فردوسی از: محمود شفیعی
- فردوسی و حماسه‌ی ملی از: هانری ماسه ترجمه‌ی مهدی روشن‌ضمیر
- آنچه آوردیم نمونه‌ی بود و گرنه بی‌گرافه، ذکر دقیق کتابها، ترجمه‌ها و

مقالات و آثاری که بر اساس یا درباره‌ی شاهنامه از آغاز تاکنون تالیف شده؛ خود کتابی خواهد شد... حتی در اوایل قرن هفتم، تمام شاهنامه به عربی ترجمه شد به وسیله‌ی قوام‌الدین قتیبن‌علی اصفهانی... و در زبانهای اروپایی نیز از ترجمه‌ی کامل مول Mohl به زبان فرانسه و به نثر و از ترجمه‌ی کامل ایتالیائی پیتزی Pizzi می‌توان نام برد... از حضرت ایرج افشار شنیدم که ملخصی از شاهنامه به وسیله‌ی کورویاناکگی به ژاپنی نیز ترجمه شده است، و این‌ها به جز ترجمه‌های انگلیسی و هم غیر از تحقیق جامعی است که نلدکه Noeldeke آلمانی درباره‌ی شاهنامه کرده است.

کتابی چنین مهم و جهانی، البته سزاوار است که در متن اصلی، چاپ انتقادی و دقیقی داشته باشد. چاپی که از تصرف نسخه برادران بی‌سواد و مغرض منقح شده و هرچه بیشتر نزدیک به همان باشد که فردوسی سروده بوده است.

عبدالحسین نوشین - یکی از مصححین شاهنامه‌ی چاپ مسکو در رساله‌ی خواندنی خود به نام «سخنی چند درباره شاهنامه» می‌نویسد:

«... اگر این کاخ بلند نظم تاکنون نه تنها از یاد و یاران زمانه گزندی ندیده بلکه هر زمان استوارتر و پرشکوه‌تر گردیده است، اما با هزاران دریغ و افسوس باید گفت که از گزند نسخه نویسان و فرهنگ‌نویسان و خوانندگانی که در متن شاهنامه دست بردارند، برکنار نمانده و آسیب فراوان دیده است. بطوریکه دونسخه کهنه یا نو شاهنامه یافت نمی‌شود که در آنها دوست بیت بی‌دری همسان و بی‌کاستی و فزونی باشد...»

ص ۳

و بدین ترتیب می‌توان گفت که اهمیت مقابله و تصحیح نسخه‌هایی که در طی قرون از شاهنامه بازمانده و در دسترس می‌باشد، تا چه اندازه است.

شاهنامه‌ی چاپ مسکو که به همت انتشارات گوتمبرگ در تهران نشر و توزیع می‌گردد، بر اساس مقابله و تصحیح انتقادی چهار نسخه تدوین شده است؛ ۱ - نسخه‌ی خطی موزه بریتانیا که در سال ۱۶۷۵ هجری کتابت شده، از کلیه نسخ خطی که تا بحال معلوم و مشهور است قدیمی‌تر و به نظر ما بهترین نسخه موجود است. ۲ - نسخه‌ی خطی کتابخانه عمومی لنینگراد که در ۱۷۴۳ کتابت شده... ۳ - نسخه‌ی خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی که در سال ۱۸۴۹ هجری کتابت شده...

۴ - نسخه‌ی خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی، بدون تاریخ، ولی بحسب شیوه کتابت، جنس کاغذ و اسلوب مینیاتورها می‌توان قضاوت کرد که تقریباً در سال ۱۵۰ هجری استنساخ شده است...

ص ۶ پیشگفتار

ی. برتلس و زیر نظر عبدالحسین نوشین انجام یافته است.

کتاب حاضر به دلایل دشواری و عظمت کار وعدم دسترسی مصححین به نسخه‌های بهتر، البته ایده‌آل نیست اما می‌توان گفت تاکنون بهترین است.

قیمت ارزان دوره‌ی ۹ جلدی آن نیز، خرید یک شاهنامه‌ی اصیل‌تر را برای دانش پژوهان [اغلب کم بضاعت] آسان کرده است. توفیق انتشارات گوتمبرگ را در نشر کتابهای خوب و گرانقدر، با قیمت ارزان، خواستاریم.